

بررسی وضعیت حقوقی قرارداد بیع دین در ایران

تألیف:

وحید محمدی

محمد رضا اسدزاده



تهران - ۱۳۹۳

- سرشناسه : محمدی، وحید، ۱۳۶۴ -
- عنوان و نام پدیدآور : بررسی وضعیت حقوقی قرارداد بیع دین در ایران /
تالیف وحید محمدی، محمدرضا اسدزاده.
- مشخصات نشر : تبریز: درویش، ۱۳۹۳.
- مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
- شابک : 978-600-7262-32-0
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- موضوع : بیع دین (فقه)
- موضوع : بیع دین -- ایران
- شناسه افزوده : اسدزاده، محمدرضا، ۱۳۶۱ -
- رده بندی کنگره : BP۱۹۸/۶/۸۸م۳ ۱۳۹۳
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۹
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۱۹۲۹۱



با همکاری



بررسی وضعیت حقوقی قرارداد بیع دین در ایران

تألیف:

وحید محمدی

محمد رضا اسدزاده

انتشارات درویش

تبریز - میدان ساعت - جنب بانک سرمایه

ساختمان توحید - پلاک ۱۳

تلفن: ۳۵۵۴۴۷۶۷ - ۰۴۱ - همراه: ۴۶۶ ۷۷۷۷ ۰۹۱۴

np_nashr@yahoo.com

www.np-nashr.com

تایپ، طراحی و صفحه‌آرایی : فرشید

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۳

اندازه و تعداد صفحه : رقعی ۱۸۲ ص

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۲-۳۲-۰ - ISBN: 978-600-7262-32-0

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۷ مقدمه
فصل اول:	
مفاهیم و مبانی	
۱۷ تعریف بیع
۴۳ تعریف دین
۵۷ حقیقت دمه و دین
۶۳ تعریف بیع دین
۶۴ انواع بیع دین
۶۷ مبانی اعتبار بیع دین
فصل دوم:	
ماهیت، شرایط و اوصاف بیع دین	
۸۳ ماهیت حقوقی بیع دین
۸۷ شرایط قرارداد بیع دین
۱۰۲ اوصاف بیع دین
فصل سوم:	
بیع دین و تمایز آن با موارد مشابه دیگر	
۱۱۳ مقایسه بیع دین با بیع سلف
۱۱۸ مقایسه بیع دین با بیع صرف
۱۲۱ مقایسه بیع دین با صلح معوض
۱۲۵ مقایسه بیع دین با عقد حواله
۱۲۸ مقایسه بیع دین با مالکیت ما فی الذمه

۶/ بررسی وضعیت حقوقی قرارداد بیع دین در ایران

- ۱۳۴ مقایسه بیع دین با انتقال طلب
- ۱۳۶ مقایسه بیع دین با ربا
- ۱۵۱ سخن پایانی

پیوست‌ها

- ۱۵۵ پیوست الف- نمونه قرارداد خرید دین بانک سپه
- ۱۶۰ پیوست ب- قانون عملیات بانکی بدون ربا
- ۱۷۰ پیوست ج- دستورالعمل بانک مرکزی برای خرید دین در سال ۱۳۶۵
- ۱۷۲ پیوست د- دستورالعمل بانک مرکزی برای خرید دین در سال ۱۳۸۵
- ۱۷۵ فهرست منابع

www.ketab.ir

مقدمه:

برای اینکه بتوان به ضرورت‌ها و هدف کلی این کتاب که تبیین و تشریح اعتبار یا عدم اعتبار بیع دین و شناسایی شرایط آن است، دست یافت ابتدا باید در مورد چگونگی پیدایش این قرارداد سخن گفت. در زمان‌های بسیار گذشته که مردم توانستند احتیاجات و نیازمندی‌های خود را تأمین کرده و مازاد تولید را به دیگری بدهند و در مقابل کالای مورد نیاز خود را از او بگیرند، عقدی به نام بیع به وجود آمد. پس از چندی لزوم پیدایش کالاهای واسطه‌ای احساس شد، زیرا در موارد بسیاری طرفین معاوضه دارای کالای مورد نیاز طرف مقابل نبودند بنابراین ابتدا نمک و به تدریج گندم و کالاهای دیگر، واسطه‌ای انجام این معاملات شد. با گذشت زمان و افزایش مبادلات به تدریج عدم کارایی کالاهای واسطه‌ای آشکار شد. کالاهای واسطه دارای حجم و وزن زیاد بود. بنابراین باید چیزی جایگزین می‌شد که سبک و دارای ارزش بود به همین دلیل سکه‌هایی که دارای فلز قیمتی بودند، رواج پیدا کرد. پس از چندی به دلیل اشکالات جابجایی و مخاطرات فراوان برای حمل و نقل این سکه‌ها در حجم زیاد، لزوم جایگزینی واسطه‌ای دیگری احساس شد. به این ترتیب پول‌های اعتباری، کاغذی که دارای وزن بسیار کم بود، رایج شد و به دنبال آن اسناد تجاری که می‌توانند حاوی اعتبارات بسیار کلان باشند، بدون اینکه نیاز به جابجایی اسکناس

باشد، در عرصه‌ی تجارت داخلی کشورها و همچنین صحنه‌های بازرگانی بین‌المللی جای خود را باز کرد. در تمامی این دوران‌ها و تحولات و دگرگونی‌ها آنچه بیش از سایر موارد جلب نظر می‌کند، عبارت از تلاشی است که برای پیدایش راه‌هایی که موجب سرعت و سهولت در مبادلات و معاملات صورت گرفته است.

در این راستا آخرین و جدیدترین ابداع بشر جهت سهولت معاملات و رفع حواجج تجاری و بازرگانی خود، به وجود آوردن اسناد تجاری و اعتبارات اسنادی بوده است. انگیزه‌ی اصلی حرکت و تفکر در این جهت، جابجایی بدون خطر وجوه نقد و سرمایه‌های خرد و کلان و همراه با ضمانت‌نامه‌های قانونی این اسناد بوده است.

کلیه‌ی اسناد تجاری و اعتبارات اسنادی حاوی نوعی دین هستند. به‌طور مثال نوعی از اعتبارات اسنادی تعهد پرداخت مبلغ معینی پول از عهده‌ی یک بانک به حساب بانک دیگر در صورت انجام شرط معین است.

دین مندرج در اسناد تجاری و اعتبارات اسنادی به دو نوع نقد و مدت‌دار یا به عبارتی حال و مؤجل تقسیم می‌شود که خود موضوع مباحث بی‌شماری می‌تواند باشد. اما آنچه در این کتاب مدنظر است، تبدیل اسناد حال به مؤجل و اسناد مؤجل به حال و مطابقت این عمل با شرع مقدس و همچنین قوانین موجود می‌باشد. در صورتی که امکان تبدیل یا تعویض یا مبادله‌ی اسناد حاوی دین مؤجل با اسناد حاوی دیون حال وجود داشته باشد، گردش سرمایه‌ها بیشتر خواهد بود. این امر حافظ منافع بازرگان و جامعه و دولت‌ها است. به‌طور مثال بازرگانی که کالای خود را به مبلغی معین به‌طور مؤجل فروخته است و سندی حاوی ذمه‌ی خریدار را

به دست آورده است، تا هنگام سررسید سند مذکور هیچ‌گونه عملی نمی‌تواند انجام دهد و باید قسمتی از سرمایه‌ی خود را به صورت سندی که موقع پرداخت آن نرسیده و راكد مانده است، نگهداری کند. در صورتی که دارنده‌ی سند مؤجل با چشم پوشی قسمتی از سرمایه‌ی مندرج در سند می‌تواند آن را به پول نقد تبدیل کرده و دوباره در تجارت به کار بندد در این صورت سرعت و گردش معاملات بیشتر خواهد شد. منافع این عمل در درجه‌ی اول به تاجر مزبور و سپس به جامعه منتقل خواهد شد و دولت‌ها نیز به طور غیر مستقیم از آن بهره‌مند خواهند شد. همچنین در صورتی که تبدیل اسناد حاوی دین حال با سند دیون مؤجل امکان‌پذیر باشد، خطرات ورشکستگی کاهش خواهد یافت. به طور مثال بازرگانی که ظرف چند روز آینده باید بدهی خود را طبق سندی بپردازد، ولی در حال حاضر هیچ‌گونه سرمایه‌ی نقدی در دست ندارد، ورشکسته محسوب می‌شود، هر چند که چندین برابر مبلغ را در حال گردش و داد و ستد و یا به صورت اسناد طلب مؤجل خود، صاحب باشد. طبق تعریف قانون تجارت، چنین شخصی موقوف از پرداخت دیون محسوب می‌شود و در صورت مراجعه‌ی ذی‌نفع، دادرس می‌بایست حکم ورشکستگی او را صادر نماید. در صورتی که دارنده‌ی سند حال، در ازای گرفتن مهلتی برای پرداخت دین، حاضر به پرداخت مبلغی بیشتر باشد و این عمل از نظر فقه و قانون امکان‌پذیر باشد، خطراتی که برای سرمایه‌ها به وجود می‌آید کاهش خواهد یافت و منفعی که از کاهش خطرات به وجود می‌آید در درجه‌ی اول به بازرگانان و سپس به جامعه و دولت‌ها منتقل خواهد شد. زیرا هیچ

جامعه‌ای از ورشکستگی تجار و خرد شدن سرمایه‌های کلان سود نخواهد برد.

این دو عمل حقوقی یعنی مبادله‌ی اسناد و دیون مؤجل با دین حال و بالعکس به طور کامل اجرا می‌شد که با استقرار نظام جمهوری اسلامی و به دنبال آن اجرای قانون بانکداری اسلامی (بدون ربا)، اجرای بسیاری از اعمال بانکی و از جمله مبادله‌ی اسناد مذکور متوقف شد. طبق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه قوانین و مقررات باید طبق اصول شریعت مقدس اسلام و منطبق با آن باشد. بنابراین در زمینه‌ی بحث مورد نظر باید مقررات و دستورات شرعی و به خصوص فقه امامیه را جستجو کرد و اینکه آیا فقه امامیه اصولاً مبادله‌ی اسناد مذکور تحت هر عنوان اعم از بیع، صلح، تبدیل تعهد یا هر عقد دیگر را مجاز می‌شمارد یا نه؟

بررسی و تحقیقات مقدماتی نشان می‌دهد که اکثریت فقها در یک نظریه و حکم متفق‌القول هستند. حکم این است که مهلت دادن برای پرداخت دین حال در مقابل پرداخت اضافه بر اصل دین جایز نیست و مبلغ اضافه ربا است. ولی بالعکس، جایز است که دین مؤجل را با رعایت تخفیفاتی در مبلغ دین، نقداً پرداخت نمود. به عبارت دیگر تعجیل معجل به زیاده از دین صحیح نیست، ولی تعجیل مؤجل به نقصان از دین صحیح است. هیچیک از فضلا و فقها به تشریح حکم مذکور و علل آن نپرداخته‌اند و حکم بدون توجیه فقهی مانده است.

بنابراین با توجه به اینکه، مبلغ دین در مقابل گذشت زمان در یک حکم کاهش و در حکم دیگر افزایش پیدا می‌کند، این سوال

پیش می‌آید که چه چیز باعث تفاوت حکم شده است؟ در هر دو فرض آنچه که عوض و معوض قرار گرفته‌اند، مقداری از زمان است که مقابل دین قرار گرفته و ارزش و مالیت آن را کاهش یا افزایش داده است. به عبارت دیگر در هر دو فرض آنچه که باعث نوسان ارزش دین می‌شود، زمان پرداخت و سررسید دین است. پس چگونه است که یکی جایز و دیگری حرام است؟ پاسخگویی به این سوال احتیاج به بررسی و تعمق بسیار دارد که سعی شده است به بررسی علت عدم جواز در یکی و جواز دیگری که لازمه‌ی آن بررسی کامل شرایط تحقق رباست، پرداخت شود.

انتخاب عنوان (بیع دین) به این علت بوده است که بیع کامل‌ترین و متداول‌ترین نوع از عقود است و اکثریت قریب به اتفاق معاملات که بر روی دین واقع می‌شود به نام بیع صورت می‌گیرد. همچنین بیع دین از جمله معاملات اسلامی است که به علت جایگاه ویژه‌ای که بین سایر عقود اسلامی دارد بایستی مورد توجه خاص قرار گیرد و با توجه به اینکه از لحاظ ماهیتی عقد محسوب می‌شود تابع قواعد عمومی قراردادها نیز می‌شود.^۱ در واقع معاملاتی است که ناشی از یک معاملهی واقعی (به صورت نسبی) خرید و فروش بوده و صاحب حق (داین) برای دستیابی فوری به منافع پولی و رونق دادن به کسب و کار خود از این شیوه بهره می‌جوید و نیز می‌توان گفت عقدی است که به موجب آن طلب مؤجل ناشی از معاملهی حقیقی که شخصی از دیگری دارد، به بهای نازل‌تر از

^۱ - کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۰

ارزش آن در سررسید خریداری می‌گردد^۱ و در بانک‌ها این طریق بیشتر کاربرد دارد هم چنان که اشخاص حقیقی نیز می‌توانند از این عقد در معاملات خود استفاده نمایند. بر این اساس خرید دین در بانک عبارت است از اینکه بانک به عنوان شخص ثالث (طرف قرارداد)، طلبی را که شخص طلبکار (طرف دیگر قرارداد) به مناسبت معامله‌ی نسبه‌ی کالا، از دیگری (مدیون) دارد و بابت آن اسناد تجاری دریافت نموده، از طلبکار خریداری می‌نماید.

به نظر فقهای امامیه شرعاً اصل موضوع مورد تردید نیست و بر آن اعتبار قائل شده‌اند اما اینکه بیع دین با چه کسی صحیح است و کسانی که بیع دین را جایز می‌دانند، در صورتی که معوض عین باشد حتماً آن را صحیح می‌شمارند^۲ همچنین در حال حاضر به لحاظ اعتبار دین (شرعاً و قانوناً) شورای نگهبان در نظریه‌ای عجیب بند ۳ دستورالعمل سال ۱۳۸۵ بانک مرکزی (درباره‌ی خرید دین از بانک‌ها) را به دلیل این که عنوان (دین) ذکر نشده و شائبه‌ی خرید خود اسناد و اوراق تجاری است خلاف موازین شرع شناخت. امروزه نیز با توجه به نظریه‌ی شورای نگهبان، دستورالعمل سال ۱۳۶۴ (درباره‌ی خرید دین) مورد استفاده و استناد بانک‌هاست.

مطالب کتاب به سه فصل تقسیم شده است که ابتدا در فصل اول به تعریف بیع و دین پرداخته شده است تا به این سوال که دین چگونه می‌تواند در قالب بیع تحقق یابد جواب داده شود و مبانی بیع دین کاملاً تشریح و تبیین گردیده است سپس در فصل دوم ماهیت،

۱- امین، سبرده‌های نقدی و راه‌های استفاده از آن در اسلام، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳-۱۹۷

۲- رحمانی، بیع دین به کمتر، ۱۳۸۴، ص ۵۹-۳۷

اوصاف و شرایطی که در این قرارداد جاری و ساری است مورد بحث و کنکاش قرار گرفته و بالاخره در فصل آخر با مقایسه‌ی بیع دین با اعمال و وقایع حقوقی مشابه، بالاخص ربا توانستیم از اعتبار و صحت این قرارداد دفاع نموده و گامی در جهت شناساندن هر چه بیشتر آن برداشته باشیم. همچنین کتاب حاضر را می‌توان تحقیقی توصیفی قلمداد نمود که از طریق مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و استفاده از مقالات معتبر صورت پذیرفته. امید است کتاب حاضر جرقه‌ای باشد تا در این زمینه گام‌های اساسی و مطالعات و تحقیقات دنباله‌دار دیگری انجام پذیرد.

www.ketab.ir